

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دگرمن احمد قندهاری

۱۷ جولای ۲۰۲۴

کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲!

این راقم در همان شب نوکریوال محل قومنده دافع هوای قندهار بودم ولی طبق قانون نامه افسران اردو بعد از شب نوکریوالی فردای آن روز برای استراحت رخصت بودیم ، وقتی به خانه رسیدم بعد از ساعتی یکی از دوستان به دروازه حویلی ما تک تک (دقالباب) نموده وقتی با آن ملاقی شدم حیرت زده گفت چه گپ است ؟ من متعجب شده جواب دادم کدام گپ ! جواب داد کودتا شده رادیو را گوش کنید .

من نوکریوال اوپراتیفی محل قومنده مدافعه هوایی از دنیا بیخبر تعجب نمودم ، بعد از مکالمه ای مختصر دوستم خداحافظی نمود ؛ به قطعه برگشتم و همه افسران بیخبر گوش به آواز نغمه ها و اعلامیه های رادیو افغانستان نشسته بودند .

و همچنین معلوم گردید که هیچ افسری از قوای قندهار شامل کودتا نمی باشد و ما همه افسران بعد از وقوع حادثه برای سه شبانه روز به حالت احضارات نمبر یک در قطعات مان منتظر بودیم .

قول اردوی نمبر ۲ قندهار تحت قومندانی جنرال سعید خان بدون مقاومت سکوت و همه تسلیم بودند .

چون در این اواخر نیشته ها و مقالات تحلیلی توسط مخالفان و طرفداران داوود خان به مناسبت ۲۶ سرطان در وبسایت های الکترونیک به نشر رسیده ؛ خواستم چند سطر می من حیث افسر اردو خاطراتم را زنده نمایم .

در یکی از مقالات تحلیلی محترم داکتر صاحب کاظم نقل قولی از تحلیل های جنرال های نظام شاهی مستند سازی شده؛ که از جمله جنرال "زکریا خان ابوی" که دارای دانش عالی و مسلکی می باشد کاملاً نظر اندازی های جامع نظامی از اوضاع آن زمان صورت گرفته که قابل تأیید و پذیرش می باشد و همچنین از نویسندگان خاطره نویس و به ویژه "حسن شرق" همکار نزدیک داوود خان مرحوم مستند سازی شده و از نیشته های نامبرده استنباط می گردد که در پیشبرد همه امور کودتا قهرمان داستان می باشد و محترم داکتر صاحب کاظم تناقض گوئی های وی را به تحلیل گرفته و بر ملا می نماید .

ولی : داوود خان که از وضع نظامی و تشکیلاتی اردو اطلاعات کامل داشت و اکثراً جنرال های برحال و متقاعد هنوز هم با داوود خان که افسر کهنه کار و خاندانی بود وفادار بودند و می دانست که مقاومتی به پیشرو نخواهد داشت .

در مورد سازماندهی و تشکیلات کودتا که در مرکز (کابل) بود و مخفیانه صورت می گرفت نمی توانم نظردهی نمایم .

از موجودیت حسن شرق سردستهٔ اعضای (ک ج ب) افغانی و از اعضای فعال کودتاگران هویدا می باشد که به این ارتباط اعضای سفارت شوروی از وقوع کودتا آگاهی داشتند و ممکن در سازماندهی کودتا توسط حسن شرق دخیل بوده باشند .

بعد از اعلام پیروزی کودتا از امواج رادیو، اعضای جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق با شور و شعف از کودتا حمایت نمودند و عملاً دست به کار شدند و در مقام های نظامی و ملکی مقرر گردیدند.

غند کماندوی بالاحصار همه مانند دیگر افسران اردو از کودتا بی اطلاع بودند بعد از حاضر شدن به وظیفه توسط فیض محمد خان مدیر حرکات قطعۀ کماندو موظف به تأمین امنیت وزارت مخابرات و مرکز مخابرات در چهارراهی پشتونستان گردیدند.

در تشکیلات اعضای کودتا اکثراً افسران غیر محارب و متقاعد به جز چند افسر تانکیست و یا زره دار و چند افسر محدود از پیلوت های نظامی بودند .

کلید پیروزی کودتا فقط منحصر به گرفتن ادارهٔ مرکز انتشارات رادیو افغانستان شد که به خاموشی و سکوت اردو و جنرال های کاغذی و رشوتخور اردو انجامید ؛ با یک فیر تانک زره دار توسط عصمت الله قندهاری سردار ولی با همه اقتدار و عظمت خودساخته تسلیم گردید .

عصمت الله که از رفقای حبیب الله زرمتمی و تانکیست بود در قندهار شخصاً برای ما بیان نمود .

افسران کودتاچی از زبان داوود خان نقل قول می نمودند که وقتی ما از داوود خان سؤال می کردیم بعد از پیروزی کودتا حامی ما کی ها خواهد بود داوود خان اطمینان می داد که حزبی است که با ما و شما متحدانه کار خواهد نمود که به یقین کامل تثبیت شد که پرچمی ها و شخص رهبر شان بیرک کارمل بود .

اکنون به علل درونی اردو در پیروزی کودتای سرطان می پردازم :

- در قدم نخست قشر خرد ضابطان قطعات و افسران پائین رتبه به امید زندگی بهتر و امتیاز گیری حامی کودتای سرطان شدند .

- وضع زندگی مادی و اقتصادی افسران اردو به طبقهٔ متوسط جامعه هم نزدیکی نداشت حتی ما همهٔ افسران از خرید البسهٔ نظامی لیلایی و کباری به نسبت ارزانی قیمت استفاده می نمودیم . معاش یک دهم بریدمن ۱۸۰۰ افغانی به اضافه سه سیر غلگی ماهانه بود.

البسه که از تکهٔ وطنی از طرف وزارت دفاع تهیه و توزیع می گردید آنقدر کیفیت خراب داشت که قابل استفاده نبود . اگرچه بعد از کودتای سرطان و به اصطلاح جمهوریت یک اندازه معاشات مأموران دولتی و افسران اردو به یک درصد نا چیز اضافه گردید ولی نسبت صعود نرخ بازار کافی نبود و طوری که مجبور به پرداخت کرایهٔ خانه هم بودیم.

- خرد ضابطان قطعات که از رتبه و موقف شان خسته شده بودند و یک نوع احساس محرومیت می نمودند در همان سال ها در داخل اردو به تجمعات و مقاومت متصل گردیدند که در نتیجهٔ سرکوبی ، چندین نفر آنها زندانی و محاکمه شدند ؛ احزاب سیاسی فعال در اردو از این پدیده به نفع خویش برداشت های سیاسی نمودند که از جمله کودتای سرطان و هفت ثور مشخص می باشد .

- رهبر کودتای ۲۶ سرطان بعد از پیروزی ، خرد ضابطان را به رتبه دریم بریدمنی با حفظ معاش ارتقا و ترفیع داد مگر در پست های خرد ضابطی (پرکمشر ، سرپرکمشر و سرپرکمشر قدمدار) تا ختم جمهوریت باقی ماندند ؛ تا در صفوف اردو یک قشر حمایتی داشته باشد ، ولی به عکس راه پروسهٔ سازماندهی احزاب سیاسی را در بین این قشر عقده

مند اردو هموار نمود . حزب ضد خلق که از به زبان آوردن کلمه کودتا سخت هراسمند بودند خلاف مثنی سیاسی حزب شان بعد از هفته نخست کودتای سرطان آغاز به کار سیاسی و تشکیلاتی در صفوف اردو شدند که منجر به پیروزی کودتای خونین ثور گردید .

- رهبر کودتای سرطان که خود عامل همه صلاحیت های اجرائی بود باز هم برای اقتناع افسران اردو و حمایت آنها از کودتا به افسران فعال شامل کودتا تحت یک فرمان دو رتبه و افسران قطعاً کماندو که مستقیماً تحت اداره سردار ولی بود و همچنین تعداد حزبی های شاخه پرچم توسط فیض محمد مدیر حرکات قطعاً در صبح ۲۶ سرطان به یاری کودتاچیان شتافتند یک رتبه و به متباقی افسران اردو یک سال قدم عطا نمود و این هم برای کودتای هفت ثور یک فکت دیگر پیروزی شد .

افسران اردو از تجارب مزایای کودتای سرطان با سکوت منتظر امتیاز گیری بودند و با اعلان پیروزی کودتای هفت ثور از طریق امواج رادیویی قطعات دور از مرکز فتح شد با یک تفاوت از کودتای قبلی که در هر قطعه و جزو تام به طور محدود سه یا چهار افسر کودتاچی فعال شدند و پیروزمندانه عمل نمودند چون کودتای سرطان نتوانسته بود که به افسران آگاهی سیاسی و درس وفاداری به نظام جمهوری و رهبر بدهد چون ایجاب می نمود که با ایجاد سازماندهی سیاسی و نظامی به دفاع از جمهوریت در بین افسران اردو به جدیت کامل و دموکراتیک اقدام می شد .

- اردو که با سلاحهای دی مود روسی مسلح بود به ویژه از نقطه نظر وسایط مخابره و ارتباطات فوق العاده ناکارآمد بود که به مشکل می توانستیم ارتباطات را قایم نمائیم . محل چنار که محل قومنده عمومی هوایی و مدافعه هوایی بود از همچو وسایط مخابره استفاده می نمود و رفت و آمد افسران غیر مسلکی و دیگر جزو تام ها به این محل ممنوع و دارای بهره دار و نام شب بود . لذا انتقال یک واسطه مخابره از این محل غیر ممکن بود و افسانه سازی می باشد .

- اتوکراسی انضباطی خشک و غیر علمی و نمایشی از قدمه دلگی الی قول اردو مسلط بود .

- اکمالات اعاشه و البسه افراد اردو شرم آور بود ، غذای شباروزی عساکر مکفی نبود ، بوت و البسه با میعاد دوسال و یا هم یک و نیم سال با فعالیت یومی عساکر مطابقت نداشت به حدی ژولیده و شاریده می شد که توان محافظت گرما و سرما بدن انسان را نداشت .

- قاغوش های خواب عساکر غیر معیاری و اکثراً بدون کلکین و دروازه بود .

- سیستم نوکریوالی غیر معیاری و حتی نوکریوال های ۲۴ ساعته حاضر در محل نوکریوالی نبودند و با خواب بودند ؛ که از نتایج کودتای سرطان این نقیصه به خوبی مشاهده می شود .

عوامل درونی و انگیزه های فوق الذکر بود که در پیروزی کودتای سرطان ممد واقع گردید .

بعداً با تغییرات سطحی که داوود خان در اردو عملی نمود که از جمله تعداد مشاوران روسی که پنج هزار نفر تخمین می گردد قابل یادآوری می باشد . توانست که ۲۴ ساعت مقاومت نماید که اگر خیانت رفقای کودتاچی وی و پرچمی های داخل ارگ ریاست جمهوری نمی بود قطعاً کودتای ثور به ناکامی می انجامید .

این است سرنوشت اردوی ملی ما که در اثر کودتا ها پی در پی بکلی نابود و از درون منحل گردید .

دگرمن احمد .

۲۰۲۴/۱۵/۷